

## Recognition and Analysis of Animal Resurrection with a Rational and Narrative Approach

Asadollah Kord Firoozjaee<sup>1</sup> \ Mohammadtaghi Rokni Lamouki<sup>2</sup>

### Abstract:

Belief in resurrection and the hereafter, is one of the fundamental religious beliefs that is discussed in theology (eschatology). In all heavenly religions, it has been affirmed that all human beings are gathered in Qiamat (resurrection), before God to respond for their actions. But there is no such statement about animals. Therefore, researching on this subject is of particular importance, and the question arises as to whether animals are dealt with such as plants and inanimate objects, or whether they are dealt with like intelligent, perceptive, and obligated, and therefore responsible for their actions or not. It is assumed that although animals are not obliged the way humans are, they will never be exempt from accountability in the resurrection and must be held accountable for their actions. This article has been able to "recognize and analyze the resurrection of animals" by analyzing the intellectual and narrative data. It is concluded that based on the relative perception the animals have in comparison to human beings, and due to Quranic verses and Islamic hadithes, the animals will have a resurrection and will be gathered on the Day of Resurrection and must be held accountable, though their accountability is limited in comparison to that of humans.

**Keywords:** Resurrection, Animal, Obligation, Perception, Immaterial Soul

1 - Assistant professor, department of philosophy and theology, Imam Sadigh research institute for Islamic knowledge, (Corresponding Author), Akf474@yahoo.com

2- Assistant Professor, department of philosophy and theology, Imam Sadigh research institute for Islamic knowledge, Rokni44@yahoo.com

### بازشناسی و تحلیلی رستاخیز حیوانات با رویکرد عقلی و نقلی

اسداله کردفیروز جانی<sup>۱</sup> / محمدتقی رکنی لموکی<sup>۲</sup>

#### چکیده:

باور به رستاخیز و قیامت یکی از باورهای بنیادین دینی است که در علم کلام با عنوان فرجام‌شناسی به آن پرداخته می‌شود. در همه ادیان آسمانی این گزاره تصدیق شده است که همه انسان‌ها، در مجمعی به نام قیامت، نزد خداوند حاضر می‌شوند تا نسبت به اعمال خویش پاسخگو باشند؛ اما در باره حیوانات چنین تصریحی وجود ندارد. از این رو، پژوهش در این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به دنبال آن است که آیا با حیوانات همچون گیاهان و غیر جانداران برخورد خواهد شد یا آنان نیز فهیم، صاحب ادراک و مکلف‌اند و در روز رستاخیز بر آنچه انجام داده‌اند مؤاخذه و بازخواست خواهند شد؟ فرض بر این است که حیوانات اگرچه مکلف به تکلیف در تراز تکلیف انسانی نیستند؛ اما هرگز معاف از پاسخگویی در رستاخیز نخواهند بود و باید نسبت به اعمال خود جوابگو باشند. این مقاله توانسته است با ابزار و تکنیک کتابخانه‌ای و روش تحلیل داده‌های عقلی و نقلی به «بازشناسی و تحلیلی رستاخیز حیوانات» بپردازد و با توجه به فهم و ادراک نسبی حیوانات و وجود آیات و روایات، حیوانات دارای رستاخیز بوده و در قیامت محشور می‌شوند و باید حساب پس دهند، هرچند دامنه پاسخگویی آن‌ها بسیار محدودتر از انسان است.

**واژگان کلیدی:** رستاخیز، حیوان، تکلیف، ادراک، نفس مجرد

Akf474@yahoo.com

۱- استادیار فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)

Rokni44@yahoo.com

۲- استادیار فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)،

### ۱- مقدمه

یکی از اصول اعتقادی هر مسلمان اعتقاد به معاد و باور به این است که همه انسان‌ها در روز قیامت - به هنگام رستاخیز - در محضر الهی حضور می‌یابند و از اعمال خود در این دنیا حساب پس می‌دهند. وجود قیامت مقتضای عدل الهی است؛ بدین بیان که عدالت خدای متعال اقتضا می‌کند که رستاخیزی باشد، تا داد مظلوم از ظالم ستانده شود؛ روزی که هر یک به پاداش و کیفر اعمال خود برسند (حلی، ۱۴۱۵: ۴۰۶)؛ اما اینکه حیوانات نیز همانند انسانها دارای رستاخیز هستند و از اعمال خود در دنیا حساب پس خواهند داد، نیازمند پژوهش است. بنابراین، اگر بر این باور باشیم که حشر انسان یا هر موجود دیگر در رستاخیز متوقف بر مکلف بودن در دنیا است و عقل و شعور نیز شرط تکلیف است و انسان با وجود تکلیف و برخوردار از عقل در رستاخیز محشور می‌شود، جای این پرسش باقی می‌ماند که برای توجیه حضور حیوانات در زندگی آخرت، محملی از عقل و شعور و ادراک می‌توان جست، تا تکلیف و بازخواست معنا یابد؟ با توجه به انحصار تکلیف در موجود مختار عاقل یعنی انسان و منتفی بودن تکلیف از حیوانات به سبب دور بودن از ادراک امور عقلی (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۱۸؛ طوسی، بی‌تا: ج ۴، ۱۳۰-۱۲۹)، چه حکمتی در حشر حیوانات وجود دارد و کیفیت حضورشان در رستاخیز چگونه است؟

تا کنون هیچ اثری به صورت تک نگاری جهت پاسخگویی به این دست از پرسش‌ها یافت نشده است. البته مقالاتی در این باره منتشر شده اند، اما مقاله حاضر با آنها از جهات مختلف متمایز است. مثلاً مقاله «واکاوی حشر حیوانات از دیدگاه ملاصدرا» از مسلم شوبکالایی و سید محمد علی دیباجی فقط به حشر حیوانات از نگاه ملاصدرا پرداخته است، حال آنکه مقاله حاضر در صدد داوری بین باورمندان و منکران حشر حیوانات است و توانسته نظریه حشر حیوانات را با استناد به عقل و نقل به اثبات برساند و نظریه رقیب را ابطال نماید. مقاله «بررسی کلامی-فلسفی حشر حیوانات» از سعید نظری توکلی، اگر چه به بحث فلسفی و کلامی پرداخته است، دارای چارچوب نظری منسجم و مشخص نیست و نتوانسته به صورت روشن به فرضیه رقیب بپردازد. مقاله «حشر حیوانات از منظر عقل و نقل» از رحیم لطیفی و محمد داوود کریمی نیز در باره این موضوع منتشر شده است، اما مقاله پیش رو امتیازاتی نسبت به این مقاله دارد؛ مانند بهره‌مندی از چارچوب نظری ساختاری و بیان ادله دیدگاه رقیب نیز، اثبات عقلی حشر حیوانات بر پایه‌ای دیگر.

پژوهش پیش‌رو تلاش می‌نماید تا با ابزار و تکنیک کتابخانه‌ای و روش تحلیل داده‌های عقلی و بهره‌گیری از آیات و روایات به «بازشناسی و تحلیل رستاخیز حیوانات با رویکرد عقلی و نقلی» بپردازد و به این نکته اشاره نماید که اگرچه حیوانات در این دنیا تکلیف ندارند و از عقلانیتی برابر با عقلانیت بشری محروم‌اند، اما از مرتبه و حظی از شعور برخوردارند و بر آنچه انجام می‌دهند و بر آنچه پیرامون‌شان رخ می‌دهد مطلع‌اند. با این وصف، می‌توانند بر ظلمی که در دنیا بر آنها رفته دادخواه باشند و بر ظلمی که نسبت به هم نوعانشان کرده‌اند کیفر شوند. در هر پژوهشی ادراک و فهم درست عنوان، متوقف بر فهم واژگان نظری آن است. در این قسمت به فهم واژگان مرتبط با عنوان مقاله پرداخته شود:

**(الف) رستاخیز:** رستاخیز، در لغت، به معنای به‌پاخاستن، قیام، قیام عمومی و همچنین به معنای روز حشر و قیامت آمده است (عمید، ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۰۴۱)؛ اما در اصطلاح، به روز قیامت اطلاق می‌شود که در آن روز، همه مردم برای حسابرسی در پیشگاه خداوند متعال حاضر می‌شوند (مطففین / ۶). واژه رستاخیز در فرهنگ قرآنی به همین معنا آمده است، چنان‌که اسامی دیگری [همچون: روز حسرت، روز حساب، قیامت و مانند آن] نیز برای این روز آمده است (رک: فیض کاشانی، ۱۴۲۸: ج ۸، ۳۳۱).

**(ب) ادراک:** ادراک، در لغت، به معنای پیوستن، رسیدن و یافتن شیء است، چنان‌که گویی: ادرکته‌ای لحفته. (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ۲۶۵) از این جهت سخن درستی است که گفته شود مراد از ادراک همان علم است؛ چراکه با علم به شیء است که آن را می‌یابی (حسن‌زاده‌آملی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۷۸؛ لاهیجی، ۱۳۷۲: ۵۳-۵۵).

ابن‌سینا در تعریف ادراک می‌نویسد: «ادراک الشیء هو أن تكون حقیقته متمثله عند المدرک يشاهدها ما به یدرک.» (ابن‌سینا، ۱۳۷۵: ج ۲، ۳۰۸) ادراک شیء این است که حقیقت آن نزد مدرک، متمثل باشد [یعنی مثال و صورت واقعی آن شیء نزد مدرک، تمثل یابد]، در حالی که مشاهده می‌کند آن حقیقت را چیزی که به سبب آن شیء معلوم درک می‌شود [مثلاً، اگر آن شیء معلوم محسوس باشد، «مابه یدرک» اش حواس است و اگر متخیل باشد، خیال است]. در قرآن با الفاظی مانند رأی، فکر، یقین، فقه، فهم، عرفان و شعور از انواع ادراک یاد شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۲۴۷) اما در فلسفه صدرایی، مطلق ادراک در چهار نوع خلاصه می‌شود: ادراک حسی، تخیلی، وهمی و عقلی. با این حال، ملاصدرا، وقتی در مقام تعریف هر یک از آنها برمی‌آید، ادراک وهمی را مرتبه نازل‌ه یا مرتبه سقوط‌کرده ادراک عقلی می‌شمارد و بدین سبب، فرق آن دو را عرضی می‌داند. پس، می‌توان گفت ادراک به سه نوع حسی، تخیلی و عقلی تقسیم می‌شود (رک: صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ج ۳، ۳۶۲-۳۶۰).

ادراک عقلی - که حیوان از آن محروم است - عبارت است از دریافت مفاهیم کلی و مجرد از ماده و برترین مرتبه درک شمرده می‌شود (همان، ج ۳، ۳۶۰). گستره این نوع ادراک نسبت به بقیه ادراکات محدودتر است. در چنین درکی، هیچ‌یک از شرایط معتبر در ادراک حسی - که عبارت است از حضور و وجود ماده در نزد آلت حسی - ملحوظ نیست. همچنین، ملاصدرا در مقایسه ادراک عقلی با ادراک وهمی می‌نویسد:

بدان که تفاوت میان ادراک وهمی و ادراک عقلی، ذاتی نیست بلکه این تفاوت امری خارج از آن دو است و آن، اضافه ادراک به جزئی و عدم این اضافه است [برای مثال مفهوم کلی دشمنی را عقل درک می‌کند آنگاه بر آن قیدی زده، دشمنی کسی را می‌فهمد] (نک: همان، ج ۳، ۳۶۲-۳۶۱).

## ۲- نگرش‌ها در رستاخیز حیوانات

در بحث از بازشناسی رستاخیز حیوانات دو نگرش و دیدگاه کلی وجود دارد که به آنها اشاره می‌شود.

**الف) نگرش سلبی:** باورمندان به این نگرش برخی از متفکران و مفسرانی هستند که معتقدند حیوانات با توجه به عدم برخورداری از نفس مجرد (تفتازانی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۲۵۲) و همچنین عدم بهره‌مندی از عقل و ادراک لازم، در قیامت تکلیفی ندارند. از این رو، پاسخگوی اعمال خود نخواهند بود. این گروه از متفکران و مفسران می‌گویند حشری که در قرآن به حیوانات نسبت داده شده است، حشر روز قیامت نیست، بلکه می‌تواند حشر قبل از قیامت باشد که بخاطر زلزله‌های وحشتناک اتفاق می‌افتد. همچنین احتمال داده‌اند که منظور از حشر حیوانات، مرگ حیوانات باشد یعنی همه حیوانات می‌میرند (طبری، ۱۴۱۲: ج ۳۰، ۴۳؛ ایجی، ۱۴۲۴: ۴۵۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۵، ۲۵۵). آیه الله طالقانی در تفسیر خود آورده است: «گفته بعضی از مفسران که مقصود حشر حیوانات برای آنکه در معرض قصاص و تلافی رنجها و ناکامی‌ها درآیند، با ظاهر آیات که خبر از مقدمات قیامت است و با اصول دینی و عقلی موافق نیست.» (طالقانی، ۱۳۶۲: ج ۳، ۱۷۳)

**ب) نگرش ایجابی:** باورمندان به این نگرش مفسران و الهی‌دانانی هستند که معتقد به رستاخیز حیوانات می‌باشند. آنان راز اثبات این فرضیه را برخورداری حیوانات از نفس مجرد به نحو موجه جزئی می‌دانند و راز برخورداری از نفس مجرد را نیز بهره‌مندی از شعور و ادراک معرفی می‌نمایند. افزون بر این، دلالت آیات و روایات بر آن روشن و فاقد ابهام است. این مقاله می‌کوشد با رد نگرش سلبی به عنوان

فرضیه رقیب بر اثبات نگرش ایجابی پافشاری نماید.

### ۳- تحلیل عقلی رستاخیز حیوانات

در تحلیل عقلی رستاخیز حیوانات این پرسش مطرح می‌شود که آیا حیوانات مانند انسان‌ها دارای نفس و روح مجرد هستند که پس از مرگ باقی بمانند تا در روز رستاخیز نسبت به اعمال شان پاسخگو باشند یا نه مانند انسان نیستند و فاقد نفس مجرد می‌باشند و در نتیجه رستاخیز ندارند؟ در پاسخ به این پرسش دو دیدگاه وجود دارد: عده‌ای معتقدند که حیوان دارای نفس و روح مجرد نیست. به این معنا که وقتی حیوان از دنیا می‌رود روح مجرد ندارد تا باقی بماند و به سوی قیامت فراخوانده شود تا نسبت به اعمال خود پاسخگو باشد (تفتازانی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۲۵۲). دسته دوم معتقدند که حیوان از نفس مجرد برخوردار است و این ادعا هم از نظر عقلی و کاوش‌های نظری قابل اثبات است و هم نقلی و رجوع به آیات و روایات که دلالت بر وجود ادراک و شعور حیوانات دارند. بر این اساس در اینجا به نمونه‌هایی از آنها پرداخته می‌شود.

#### ۱-۳- کاوش‌های عقلی بر وجود نفس مجرد در حیوانات

با جست و جو و کاوش در رفتار و اعمال حیوانات می‌توان استنتاج نمود که آنها از شعور و ادراک نسبی برخوردارند و با همان مرتبه از شعور و ادراک می‌توانند زندگی خود را تدبیر نمایند. همان‌طور که این نوع شعور و ادراک را به روشنی می‌توان در زندگی حیواناتی همچون زنبور عسل - که خانه خود را به صورت شش گوش می‌سازد- یا تنیدن تار توسط عنکبوت یا تقلید طوطی و میمون از انسان و مانند آن مشاهده نمود که هریک از این اعمال، نشانه و علامت روح مجرد می‌باشند و نشان می‌دهند که حیوانات حظی از تجرد نفس را دارا هستند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ص ۲۳۷). افزون بر کاوش‌های عقلی و استنباط از دیدگاه‌های فیلسوفان و الهی‌دانان مسلمان بر وجود ادراک و شعور در حیوانات، که نشان از وجود نفس مجرد در حیوانات می‌دهند (آشتیانی، ۱۳۸۱: ۲۸۸؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۵: ۳۲۳؛ همو، ۱۳۶۵: ۱۴۲)، آیات و روایات قابل توجهی وجود دارند که بر آن دلالت دارند.

#### ۲-۳- کاوش‌های نقلی بر وجود ادراک و شعور در حیوانات

حیوانات اگرچه از نوع ادراک عقلی - که در مرتبه‌ی اعلا‌ی ادراکات جای دارد - محروم می‌باشند؛ بی‌تردید دارای ادراک حسی و ادراک تخیلی هستند. حیوانات قادرند با روش حسی و خیالی، در مسیر آموزش قرار

بگیرند و مرتبه علم خود را شدت ببخشند. این نکته‌ای است که از کلام وحی و از سخنان حضرات معصوم (علیهم‌السلام) نیز فهمیده می‌شود. آیاتی از قرآن کریم، بر ادراک و شعور حیوانات صحنه می‌گذرانند.

### ۱-۲-۳- دلالت تکلم حیوانات، بر ادراک و شعور (آیات و روایات)

قرآن کریم در آیاتی بر تکلم حیوانات اشاره می‌نماید و از نطق و تکلم آنان می‌توان نتیجه گرفت که آنان دارای ادراک و شعورند؛ زیرا تکلم و نطق متفرع بر ادراک و شعور است. مثلاً قرآن درباره تکلم مورچه می‌فرماید: «قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطَمَنَّكُمْ سَلِيمَانٌ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (نمل / ۱۸): مورچه‌ای گفت: ای مورچگان! به خانه‌های خود وارد شوید تا سلیمان و سپاهیان، نادانسته، شما را پایمال نکنند. تکلم و نطق مورچه در این آیه دلالت دارد بر اینکه آنها از شعور و درک برخوردارند. مرحوم طبرسی در ذیل این آیه شریفه بر فهم و شعور مورچه که از جمله حیوانات است تأکید می‌کند و معتقد است که اشکالی در این امر وجود ندارد که مورچه به اندازه‌ای فهم و شعور داشته باشد که به دوستان خود اعلام نماید به خانه‌هایشان پناه ببرند تا در زیر پای آنان له نشوند. نمونه دیگری که بر شعور مورچگان دلالت دارد این است که آنها دانه‌ها را نصف می‌کنند تا بر اثر رطوبت سبز نشوند و از بین نروند. بنابراین، همان خدایی که مورچه را به این اسرار هدایت کرده، به وی فهمانده است که چه چیزهایی باعث پایمال شدن و در هم کوفته شدنش می‌گردد (نک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ۳۳۶). ممکن است اشکال شود که شناخت دشمن برای مورچگان غریزی است پس ارتباطی به فهم و شعور آنان ندارد. در پاسخ می‌توان گفت اگرچه شناخت دشمن، جزو غریزه مورچگان است، اما این قضیه که نام فلان فرد، سلیمان و همراهانش ارتش اویند، بالاتر از غریزه است. طبق این آیه، مورچه سلیمان و سپاهیان را می‌شناسد؛ هر شناخت این چنینی مسبوق به اندیشه و ادراک است. بنابراین، مورچگان شعور دارند. مرحوم طیب نیز در ذیل همین آیه بر شعور و ادراک حیوانات اشاره می‌نماید و می‌نویسد: «حیوانات حتی مثل مورچه شعور و ادراک و عقل دارند چنانچه مشاهده می‌شود دانه‌هایی که می‌برند برای ذخیره زمستان دو قسمت می‌کنند که زیر زمین سبز نشود و آن دانه‌هایی که نصفه آن هم روئیده می‌شود چهار قسمت می‌کنند و این دلیل بر این است که تمام موجودات معرفت دارند.» (طیب، ۱۳۶۹: ج ۱۰، ۱۲۱) برخی از مفسرین نیز حیواناتی مانند مورچه را در برخوردارگی از شعور و درک به انسان تشبیه می‌کنند. چنانکه رشید رضا در المنار می‌نویسد: «یغزو بعضه بعضاً، و أن المنتصر یسترق المنکسر و یسخره فی حمل قوته و بناء قراه و غیر ذلک» (رشید رضا، ۱۴۱۴: ج ۷، ۳۹۴): گاهی میان [مورچگان] موافق و مخالف نبرد رخ می‌دهد و گروه پیروز، افراد مغلوب را

به اسارت می‌گیرند و آن‌ها را در جهت حمل آذوقه و ساختن لانه و غیر آن، به کار می‌دارند.

### ۲-۲-۳- دلالت آیات تسبیح حیوانات بر درک و شعور

در رابطه با تسبیح حیوانات آیات و روایات فراوانی وجود دارند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود. در آیاتی از قرآن کریم آمده است که حیوانات و همهٔ جنبندگان تسبیح خدا می‌گویند. چنانکه آمده است: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ» (نور/ ۴۱): آیا ندیدی که برای خدا تسبیح می‌کنند تمام آنان که در آسمانها و زمین‌اند و همچنین پرندگان به هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده‌اند هریک از آنها نماز و تسبیح خود را می‌دانند و خداوند به آنچه انجام می‌دهند عالم است. در تحلیل کیفیت تسبیح حیوانات دو نظرگاه وجود دارد:

۱. برخی قائل‌اند که نوع تسبیح آنان با زبان «حال» و مجازی است، نه با زبان «قال» و حقیقی. بر این اساس، تسبیح آنان به معنای «دلالت هستی همهٔ موجودات بر ذات باری تعالی و صفات کمالیهٔ او» تفسیر می‌شود. از این منظر، تسبیح موجودات تسبیح تکوینی است و همه موجودات، در واقع و ذاتاً، به زبان حال، خالق خودشان را توصیف می‌کنند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ۳۴۶؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۹، ۴۴۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۴، ۱۶۵). بر اساس همین نظریه است که حکیم فارابی می‌نویسد: «صَلَّتِ السَّمَاءُ بِدَوَائِرِهَا وَ الْأَرْضُ بِرُجْحَانِهَا وَ الْمَاءُ بِسِيلَانِهِ وَ الْمَطَرُ بِهَطْلَانِهِ»: آسمان با گردش خود به درگاه الهی نماز می‌برد، زمین با تکان خوردن خود نماز می‌گزارد و ریزش باران نیز نماز باران است (فارابی، بی‌تا: ۶۱).
۲. برخی دیگر بر این باورند که تسبیح حیوانات با زبان «قال» و حقیقی است و آنان حقیقتاً، با زبان مخصوص خود مشغول تسبیح خدا می‌باشند (طباطبایی، ۱۳۹۲: ج ۱۳، ۱۰۹-۱۰۸). به نظر نگارنده این نوع تسبیح از نوع تسبیح تشریحی است نه تکوینی؛ زیرا ملازم با درک و شعور می‌باشد و طبق آیه یادشده به گروهی که خدا را تسبیح می‌کنند نسبت «علم» داده شده است و خدا آن‌ها را به تسبیح خود آگاه معرفی کرده است (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۹۹-۹۸) و نگارنده در صدد تقویت همین نظریه است. بر این اساس، می‌توان گفت: تسبیح حقیقی متفرع بر شعور و ادراک است. پس، حیوانات دارای شعور و ادراک می‌باشند؛ زیرا تسبیح و صلوات حقیقی از کسی صحیح است که بداند چه کسی را تسبیح می‌کند و برای چه کسی عبادت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ۱۲۲) و این متفرع بر درک و شعور است. مرحوم طبرسی نیز در راستای همین مطلب در ذیل آیه ۱۸ از سوره نمل در باره مورچگان می‌نویسد: «إِذَا كَانَتْ مَأْمُورَةً بِطَاعَتِهِ



فلا بد أن يخلق لها من الفهم ما تعرف به أمور طاعته»: وقتی موران مأمور به اطاعت خدا باشند، باید فهمی هم داشته باشند که اسباب طاعت را درک کنند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ۳۳۶).

شواهد فراوانی بر تأیید این تفسیر وجود دارد. چنانکه قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِغُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ» (اسراء/ ۴۴): همه اشیا تسبیح خدا می‌گویند، مگر اینکه شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید. راز نفهمیدن ما از تسبیح آنها این است که آنها به گونه و زبان مخصوص خود تسبیح می‌گویند و فقط انسان‌های خاص آن را می‌فهمند. اگر منظور از تسبیح آنها تنها دلالت و نشانه بر وجود خدا بود، نیاز نبود که خداوند بفرماید: «شما آن را نمی‌فهمید»، زیرا اینکه وجود همه عالم آیه و نشانه وجود خدا است برای همه اهل خرد آشکار است و خردمندان به آن معترف‌اند (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۳، ۱۱۲-۱۱۱). قرآن کریم در آیه دیگری می‌فرماید: «إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحُنَّ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ وَالطَّيْرُ مَحْشُورَةٌ كُلُّ لَّهُ أَوَّابٌ» (ص / ۱۸): ما کوه‌ها را مسخر او (داود) ساختیم که هر شامگاه و صبحگاه با او تسبیح می‌گفتند. پرندگان را نیز دسته جمعی مسخر او کردیم [تا همراه او تسبیح خدا گویند] و همه اینها بازگشت کننده به سوی او بودند. در تحلیل این آیه، دو نکته به دست می‌آید که مؤید تسبیح موجودات به زبان «قال» و حقیقی است:

نکته اول: همراهی کوه‌ها و مرغان با داوود (علیه‌السلام) در تسبیح پروردگار است که می‌فرماید: «مَعَهُ يُسَبِّحُنَّ». اگر منظور از تسبیح موجودات تسبیح به زبان «حال» و مجاز بود، همراهی آنها با داوود معنا نداشت؛ چگونه ممکن است داوود (علیه‌السلام) با زبان «قال» تسبیح گوید و آنان (حیوانات) که با او همراهی می‌کردند با زبان «حال» تسبیح گویند؟ از این رو، نمی‌توان تسبیح کوه‌ها و مرغان را به زبان «حال» گرفت، و نسبت به داوود (علیه‌السلام) به زبان «قال»، حال آنکه تسبیح به زبان «حال» همواره و بدون داوود (علیه‌السلام) نیز وجود دارد.

نکته دوم: اگر منظور از تسبیح حیوانات «آیه و نشانه وجود خدا» بود، پس چرا تسبیح آنان در ساعات خاصی قرار داده شده است (طباطبایی، ۱۳۹۲: ج ۱۴، ۳۱۳-۳۱۲). ممکن است گفته شود: شامگاهان و بامدادان در آیه - که آمده است: شامگاهان و بامدادان، کوه‌ها و مرغان با داوود (علیه‌السلام) در تسبیح همراهی می‌کردند - کنایه از شب و روز است. در نتیجه، آیه در بیان تسبیح دائمی [به زبان حال] است. در پاسخ می‌شود گفت: با توجه به نکته پیشین - که «هرگاه داوود (علیه‌السلام) به تسبیح آغاز می‌نمود، مرغان و کوه‌ها با او هم‌نوا می‌شدند» - منظور از «صبحگاهان» و «شامگاهان» همان معنای واقعی طلوع و غروب

است. در این صورت، تسبیح به معنای دلالت وجود کوه‌ها و مرغان بر وجود خدا و تفسیر به زبان «حال» نخواهد بود، زیرا این‌گونه تسبیح همواره و در هر زمان وجود دارد و دلیلی ندارد که به صبح و شام یا به زمان همراهی داوود (علیه‌السلام) اختصاص داده شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ۱۹۰).

### ۳-۲-۳ دلالت روایات تسبیح حیوانات بر درک و شعور

افزون بر آیات تسبیح حیوانات، روایات فراوانی وجود دارند که بر آن دلالت دارند که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

۱. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «لَا تَضْرِبُوا الدَّوَابَّ عَلَى وُجُوهِهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۶، ۵۳۸). به صورت حیوانات تازیانه نزدیک، زیرا آنان به حمد پروردگارش تسبیح می‌گویند.

۲. امام صادق (علیه‌السلام) نیز در این زمینه می‌فرماید: «مَا مِنْ طَيْرٍ يُصَادُ فِي بَرٍّ وَ لَا بَحْرٍ وَ لَا يُصَادُ شَيْءٌ مِنَ الْوُحُوشِ إِلَّا بِتَضْيِيعِهِ التَّسْبِيحَ» (عباشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۱، ۲۴). هیچ پرنده‌ای در خشکی و دریا صید نگردد و هیچ حیوان وحشی صید نمی‌شود مگر از آن سبب که او تسبیح خداوند را ضایع نموده است.

۳. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان خبری را از معاذ بن انس نقل می‌کند که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «ارْكَبُوا هَذِهِ الدَّوَابَّ سَالِمَةً وَ اتَدَعُوهَا سَالِمَةً، وَ لَا تَتَّخِذُوهَا كِرَاسِيَّ لِأَحَادِيثِكُمْ فِي الطَّرِيقِ وَ الْأَسْوَاقِ، فَرُبَّ مَرْكُوبَةٍ خَيْرٌ مِنْ رَاكِبِهَا وَ أَكْثَرُ ذِكْرًا لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْهُ» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۳، ۱۲۲؛ ک: طبرسی، ۱۳۷۳: ج ۴، ۴۶۱). چهارپایان سالم را سوار شوید و آنها را سالم نگه دارید و آنها را کرسی خطابه و صحبت‌های خود در کوچه‌ها و بازارها نکنید، زیرا بسا مرکوبی که از سوارش بهتر و بیشتر به یاد خداوند تبارک و تعالی باشد.

با توجه به این دست از روایات که مبین تسبیح حیوانات می‌باشند، می‌توان دریافت که حیوانات دارای درک و شعور می‌باشند و هر موجود برخوردار از ادراک، به اندازه ادراک خود، از تکلیف نسبی برخوردار است. از این رو، در روز رستاخیز محشور خواهند شد. امام صادق (علیه‌السلام) در تأیید برخوردارگی حیوانات

از ادراک می‌فرماید:

«مَهْمَا أُبْهِمَ عَلَى الْبَهَائِمِ مِنْ شَيْءٍ فَلَا يُبْهِمُ عَلَيْهَا أَرْبَعَةَ خِصَالٍ: مَعْرِفَةُ أَنَّ لَهَا خَالِقًا وَ مَعْرِفَةُ طَلَبِ الرِّزْقِ وَ مَعْرِفَةُ الذِّكْرِ مِنَ الْأُنْثَى وَ مَخَافَةُ الْمَوْتِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۶، ۵۳۹): چهارپایان از هرچه ناآگاه باشند، از چهار خصلت ناآگاه نیستند: معرفت داشتن خالق، معرفت طلب روزی، معرفت نر از ماده، و ترس از مرگ.

علامه مجلسی در بحارالانوار می‌نویسد: اخبار بسیار زیادی دلالت دارد بر اینکه حیوانات دارای تسبیح و ذکر هستند و خدای خود را می‌شناسند و منافع و مضار خویش را تشخیص می‌دهند و استبعادی ندارد که آنها مکلف به بعضی از تکالیف باشند که در صورت ترک آن تکالیف، معذب می‌شوند، چنان که در اخبار زیادی رسیده که پرنده‌ای صید نمی‌شود مگر به واسطه ترک تسبیح (نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۷، ۲۷۴). درک و شعور از امور تشکیکی و دارای شدت و ضعف می‌باشد و حیوانات از مرتبه نازله آن برخوردارند. برخلاف انسان که مرتبه وجودی شعورش از حیوان بالاتر است. از این جهت، می‌توان دریافت که حیوانات از خرد و اندیشه مرتبه خودشان برخوردارند؛ زیرا هریک از تکلم و تسبیح متفرع بر وجود خرد و اندیشه است.

#### ۴- تکلیف حیوانات

یکی از شرایط تکلیف برخورداری از عقل کافی و شعور در تراز تکلیف است. با توجه به برخوردار نبودن حیوان از عقل کافی و عدم تراز شعور وی با تکلیف، آیا می‌توان آن را مکلف دانست؟ به بیانی دیگر، آیا حیوانات دارای چنان عقلی هستند که مورد تکلیف واقع شوند؟ و آیا می‌توان باور کرد که یک حیوان بیش از یک کودک نابالغ و حتی بیش از دیوانگان درک داشته باشد؟ و اگر پذیرفته شود که آنها چنان عقل و درکی ندارند، چگونه ممکن است تکلیف متوجه آنها شود؟ (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۹۹: ج ۵، ۲۲۴) در پاسخ به این دست از پرسش‌ها می‌توان گفت: اگرچه حیوان از قوای ادراکی حسی و تخیلی برخوردار است و می‌تواند جزئیات را درک نماید و به همین دلیل نسبت به رعایت حقوق همدیگر - که با ادراک جزئی درک‌شدنی است - مسؤول می‌باشند و این خود دلیل مناسبی برای محسوس شدن آنان در روز رستاخیز است، اما از آنجا که از ادراک عقلانی همانند انسان بهره‌مند نیستند، به تکالیفی در حد تکالیف انسان مکلف نمی‌باشند. بنابراین، عقل کامل و عالی، شرط تکلیف در مرحله عالی و کامل است که مختص انسان

می‌باشد و در غیر انسان وجود ندارد. از سویی تکلیف مصطلح و شرعی زمانی به موجودی تعلق می‌گیرد که اولاً خداوند پیامبری برایشان مبعوث کرده باشد که امر و نهی الهی را برایشان بیان کند و ثانیاً از عقل کافی برخوردار باشد. از این رو، تکلیف حیوانات تکلیف بلا بیان و محال است. براین اساس نظریه نگارنده بر این است که حیوانات مکلف به تکلیف مصطلح و شرعی نیستند.

#### ۵- رستاخیز حیوانات از منظر قرآن

قرآن کریم در آیات متعددی به مسئله رستاخیز حیوانات پرداخته است، که در این قسمت به برخی از آنها اشاره می‌شود.

##### ۵-۱- معنای وحوش در قرآن و آراء مفسران درباره آیه «وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ»

خداوند در یکی از آیات قرآن می‌فرماید: «وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ» (تکویر / ۵): و در آن هنگام که وحوش جمع شوند. وحوش در لغت جمع وحش و به معنای حیوانی که هرگز با انسانها انس نمی‌گیرد، آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۵۸). از آنجایی که حیوانات وحشی برخی از همه حیوانات محسوب می‌شوند، از این رو، رستاخیز نه تنها شامل آنها می‌شود، بلکه می‌توان گفت شامل همه حیوانات می‌شود. اندیشوران و مفسران قرآن در تفسیر این آیه شریفه اختلاف نظر دارند و حداقل به سه دیدگاه می‌توان اشاره نمود:

الف) برخی منظور از وحوش را مطلق حیوانات می‌دانند و معتقدند حشر آنان همان مرگ آنان است، زیرا محشور شدن در رستاخیز متوقف بر تکلیف است و از آنجا که حیوانات تکلیف ندارند، پس رستاخیزی نخواهند داشت (طبری، ۱۴۱۲: ج ۳۰، ۴۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۵، ۲۵۵؛ مغنیه، ۱۴۲۳: ج ۷، ۵۲۴).

ب) برخی دیگر بر این باورند که در این آیه، انسان‌های ظالم به وحوش و بهائم تشبیه شدند؛ یعنی کسانی که در این دنیا از خدا و رسولش اطاعت نمودند و بر ظلم تأکید ورزیدند، در روز رستاخیز همانند حیوانات محشور می‌شوند (مصطفوی، ۱۴۳۰: ج ۱۳، ۵۴-۵۳)، چنان که حکیم سبزواری می‌نویسد: «وقوله تعالی: "وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ" "أى الإنسیون الذین صاروا وحوشاً و أما الوحوش التی هی وحوش بالفطرة الأولى فمعلوم أنه لا حشر لها استقلالاً.» (سبزواری، بی‌تا: ۶۹۹)

ج. نظریه دیگر اینکه حیوانات همانند انسان‌ها در روز رستاخیز محشور می‌شوند و حساب پس می‌دهند (طوسی، بی‌تا؛ ج ۱۰، ۲۸۱؛ طبرسی، ۱۳۷۳؛ ج ۱۰، ۶۷۴-۶۷۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷؛ ج ۴، ۷۰۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸؛ ج ۵، ۲۸۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰؛ ج ۲۰، ۲۱۴-۲۱۳).

با توجه به شواهد روایی که در رابطه با رستاخیز حیوانات ذکر خواهد شد، می‌توان دریافت که حیوانات مانند انسان‌ها جهت انتقام‌گیری مظلوم از ظالم در رستاخیز محشور می‌شوند و در آن روز، حیوان خاطی، اگر در دنیا به ناحق شاخی به دیگری زده باشد، باید قصاص شود (طالقانی، ۱۳۷۳؛ ج ۱، ۳۴۶؛ اشکوری، ۱۳۷۳؛ ج ۱، ۷۵۵). راز این مطلب این است که حیوانات مراتبی از شعور و درک را برخوردار می‌باشند و بر اساس همان مقدار شعور و ادراک باید پاسخگو باشند. شیخ مفید نیز در تأیید این نظریه می‌نویسد: «فإن العقل دل علی إعادة من له عوض أو علیه عوض و النقل دل علی إعادة الجميع.» (مفید، ۱۴۱۳؛ ۴۶) افزون بر این، نگره اول و دوم با مفردات آیه شریفه همخوانی ندارند، زیرا معنانشناسی کلمه «حشر» با «مرگ» همخوانی ندارد و همچنین کلمه «وحوش» با «ظالم و گناهکار». پس، نگره سوم، یعنی محشور شدن حیوانات در روز رستاخیز، به نظر نگارنده، قول صواب تلقی می‌شود.

## ۲-۵- دلالت آیه بر رستاخیز حیوانات

قرآن کریم در آیه دیگری می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» (انعام / ۳۸)؛ و هیچ جنبه‌ای در زمین و پرنده‌ای که با دو بال خود می‌پرد نیست مگر اینکه آنها نیز مانند شما گروه‌هایی هستند و همه به سوی پروردگار خود محشور خواهند شد.

در این آیه شریفه چند نکته قابل اشاره است:

الف) امت به گروهی از انسان اطلاق می‌گردد که همگی دارای یک هدف می‌باشند. به عنوان مثال دارای دین واحد، سنت واحد و زمان و مکان واحد می‌باشند.

ب) همه جنبندگان، مانند شما انسان‌ها، امت‌هایی دارند، بدین معنا که هریک از جنبندگان - مثل پرندگان، خزندگان و آبزیان - خود امتی هستند مانند امت انسانی. ملاک شباهت حیوانات در این آیه به انسان‌ها به وجود شباهت ظاهری یا در تعداد و نوع و شکل و مانند آنها خلاصه نمی‌شود. بلکه ملاک شباهت در آیه وجود رستاخیز برای هر دو نوع یعنی انسان و حیوان است (طباطبایی، ۱۳۹۰؛ ج ۷، ۷۳)؛ با

این وصف، معنای «أَمْثَالِكُمْ» در آیه شریفه این است: آنها در رعایت حقوق همدیگر، حمد و ستایش پروردگار و مانند آن، همانند ما انسان‌ها قرار داده شده‌اند.

ج) هیچ‌یک از آنها بی‌هدف خلق نشدند و همگان به سوی پروردگارشان محشور می‌شوند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۲، ۵۲۳)، همان‌طور که برخی معتقدند: «ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» به معنای آن است که آنها بعد از مرگ‌شان در روز قیامت به سوی خدا محشور می‌شوند؛ همان‌طور که بندگان خدا محشور می‌شوند و خداوند آنچه را که مستحق پاداش است به آنها پاداش می‌دهد و برای بعضی از آنها نسبت به بعضی دیگر دادخواهی می‌نماید. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴، ۴۶۱؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۲، ۵۲۹-۵۲۸؛ رک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۷، ۷۶).

شیخ مفید نیز در اثبات رستاخیز حیوانات می‌نویسد: «کل من اتصف بالحياة يعاد بعد الموت. فإن قيل ما الدليل على ذلك فالجواب الدليل على ذلك قوله تعالى و ما من دابة في الأرض و لا طائر يطير بجناحيه إلا أُمُّ أَمْثَالِكُمْ ما فرطنا في الكتاب من شيء ثم إلى ربهم يحشرون» (مفید، ۱۴۱۳: ۴۶) مرحوم شیخ مفید نیز این آیه را از جمله دلیل حشر حیوانات معرفی نموده است.

### ۳-۵- دلالت آیه «وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذِ اشَاءَ قَدِيرٌ» بر رستاخیز حیوانات

در آیه دیگری می‌فرماید: «وَمِنَ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذِ اشَاءَ قَدِيرٌ» (شوری / ۲۹): و از نشانه‌های [ربوبیت و قدرت] او آفرینش آسمان‌ها و زمین است و [نیز] آنچه از جنبنده میان آن دو پراکنده است و او هرگاه بخواهد بر جمع کردن‌شان تواناست. در مراحل تحلیل این آیه شریفه بیان دو نکته لازم به نظر می‌رسد:

الف) «دابه» به هر جنبنده‌ای از انسان و حیوان و حشرات روی زمین که حرکت می‌کنند اطلاق می‌گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۰۶)، چنان‌که در تفسیر منیر آمده است: «کل ما یدب علی الأرض من الناس و غیرهم.» (زحیلی، ۱۴۱۸: ج ۲۵، ۶۸)

ب) ضمیر «هم» در «جَمْعِهِمْ» به «دابه» برمی‌گردد، یعنی جمع کردن همه جنبندگان - اعم از انسان و حیوان - در روز قیامت. از این رو، می‌توان دریافت که این آیه نیز دلالت بر حشر همه جنبندگان در روز رستاخیز دارد. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۷، ۶۰۰-۵۹۹) اگرچه دلالت این آیه بر حشر حیوانات بالمطابقه

نیست ولی با دلالت تضمینی می‌توان حشر را از آن استنتاج نمود. چنانکه شیخ طوسی همین نتیجه را می‌گیرد و در معنای «وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ» می‌نویسد: «أى على جمعهم يوم القيامة و حشرهم إلى الموقف بعد إمامتهم قادر، لا يتعذر عليه ذلك»؛ (طوسی، بی تا: ۹، ۱۶۳) یعنی خداوند بر جمع آن‌ها روز قیامت و حشر آن‌ها به سوی موقف بعد از میراندن آن‌ها، قادر است و بر او چنین کاری متعذر نیست. مرحوم طبرسی نیز «جمعهم» را به حشرهم إلى الموقف بعد إمامتهم، تفسیر می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹، ۴۷). از مجموع آیات ذکرشده می‌توان دریافت که حیوانات در روز رستاخیز محشور می‌شوند و از اعمال آنها حسابرسی می‌شود؛ حشر حیوانات با مکلف نبودن آنها منافات ندارد؛ آنان حسب مقدار شعور و ادراکی که دارند باید پاسخگو باشند که همین مقدار کفایت می‌کند. چنان‌که علامه طباطبایی می‌نویسد: «اصل الملائک وهو الأمر الذی یدور علیه الرضا والسخط و الاثابة و المؤاخذة موجودة فیهم» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۷، ۸۳-۸۲) به این معنا که ملاک اصلی رضای خدا و سخطش و ثواب و عقابش در حیوانات نیز هست.

#### ۶- رستاخیز حیوانات از منظر روایات

از آنجاکه حیوانات دارای مرتبه‌ای از ادراک می‌باشند و بسیاری از حرکات و اتفاقات محیط خود را به‌خوبی درک می‌نمایند، حسب درک خودشان مسئولیت‌هایی نسبت به هم‌نوعان خود دارند که موجب رعایت حقوق همدیگر می‌شود. فراتر، در برخورد انسان‌ها به آنها، لازم می‌شود انسان‌ها حقوق آنها را مراعات نمایند. قانون‌گریزی هر یک از آنان چنین فرجامی را برای آنان رقم می‌زند که در روز حشر، مظلوم برای استیفای حق خود از ظالم اقدام نماید و در مقابل ظلمی که بر او وارد شده، عوض دریافت نماید. روایات فراوانی در این باره وجود دارد، که در این قسمت، به نمونه‌هایی از آنها پرداخته می‌شود:

الف) پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «يُقْتَصُّ لِلْجَمَاءِ مِنَ الْقَرْنَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷، ۹۱): قصاص حیوانی که شاخ نداشته و دیگری بی جهت به او شاخ زده است از او خواهد گرفت.

ب) روایاتی که دلالت دارد بر اینکه بر هر موجود آزاردهنده - اگرچه عاقل هم نباشد - لازم است در مقابل دردی که وارد می‌نماید، عوض بدهد (رک: طوسی، ۱۴۰۶: ص ۱۵۴-۱۵۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۹: ۳۰۴؛ بغدادی، ۲۰۰۳: ۱۸۸؛ غزالی، ۱۴۱۶: ۵۲۸)، چنان‌که در خبری از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) وارد شده که فرمود: «مَنْ قَتَلَ عَصْفُورًا عَبَثًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِعِجٍّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَقُولُ يَا رَبِّ إِنَّ هَذَا قَتَلَنِي عَبَثًا

لَمْ يَنْتَفِعْ بِي وَ لَمْ يَدْعُنِي فَأَكُلَ مِنْ حُشَارَةِ الْأَرْضِ.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴، ۶۱): هر کس گنجشکی را بی سبب بکشد، آن گنجشک در روز قیامت، از او به درگاه خدا می نالد و می گوید: پروردگارا! این انسان، بی دلیل و بدون آن که از گوشتم سودی ببرد مرا کشت و رهایم نکرد تا (زندگی را ادامه داده) و از حشرات زمین خودم را سیر کنم.

ج) ابوذر غفاری می گوید: در خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بودم که دو بز به یکدیگر شاخ زدند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «أ تَدْرُونَ فِيمَ انْتَطَحَا فَقَالُوا لَا نَدْرِي قَالَ لَكِنَّ اللَّهَ يَدْرِي وَ سَيَقْضِي بَيْنَهُمَا وَ عَلَى هَذَا فَإِنَّمَا جُعِلَتْ أَمْثَالُنَا فِي الْحَشْرِ وَ الْقِصَاصِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۱، ۷-۶): «آیا می دانید برای چه شاخ زدند؟!» اصحاب گفتند: «نمی دانیم.» پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «لیکن خدا می داند. و البته، به زودی در میان آنها حکم می کند. پس، همانا آنان (حیوانات) در حشر و قصاص مانند ما انسان ها می باشند.»

د) سکونی با اسناد خود، از رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده است که آن حضرت ناقه ای را دید که عقال شده بود (پایش را بسته بودند) و بر روی آن ناقه چهارش بود، فرمود: «أَيْنَ صَاحِبِهَا؟ مَرُّهُ فَلَيْسَتْ عَدَاً لِلْخُصْمَةِ؟» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ۲۹۲): صاحب این شتر کجاست؟ او را امر کنید و به او بگویید که فردای قیامت، خود را برای دادخواهی این شتر آماده کند.

ه) پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «مَا مِنْ دَابَّةٍ - طَائِرٍ وَلَا غَيْرِهِ - يُقْتَلُ بِغَيْرِ الْحَقِّ إِلَّا سَتُخَاصِمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (پاینده، ۱۳۸۲: ۷۰۶-۷۰۵): هر حیوانی - پرنده یا جز آن - که به ناحق کشته شود در روز قیامت از قاتل خود شکایت خواهد کرد.

از مجموع این روایات استفاده می شود که حیوانات مانند انسان ها در روز رستاخیز محشور می شوند تا از حقوق آنان دفاع شود و حق مظلوم از ظالم گرفته شود. همچنین، می توان دریافت که حیوانات در استیفای حقوقشان مانند انسان ها می باشند. از این رو، لازم است رستاخیزی وجود داشته باشد تا همه آنها در محضر خدا حاضر شوند و مظلوم حقوق خود را از ظالم بگیرد.



## ۷- نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه در این مقاله بحث شده است به نتایج زیر می‌توان اشاره نمود:

۱. با توجه به آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام)، حیوانات در اندازه خودشان و به مرتبه‌ای از مراتب درک و شعور برخوردارند، زیرا تکلم آنان و همچنین تسبیح‌شان با زبان «قال» فرع بر شعور و ادراک است. پس، دارای شعور می‌باشند و حرکات محیط خود را به خوبی درک و تدبیر می‌نمایند و در نتیجه دارای نفس مجرد می‌باشند.
۲. از آنجاکه حیوانات به مرتبه‌ای - اگرچه در حد نازله باشد - از ادراک و شعور تشریحی برخوردارند، به حسب همان باید حقوق همدیگر را رعایت نمایند، اما همانند انسان‌ها مکلف به تکلیف شرعی نمی‌باشند.
۳. هیچ‌گاه عدم تکلیف شرعی سبب نمی‌شود که آنان رستاخیز نداشته باشند، زیرا وجود رستاخیز منحصر در مکلفین شرعی نیست، بلکه می‌تواند بسیاری از جنبندگان، از جمله حیوانات، را دربرگیرد؛ زیرا آنان دارای حظی از ادراک و شعور می‌باشند.
۴. آنچه درباره حیوانات قابل اثبات است، حشر آنان در روز رستاخیز است. اما این که آیا آنها بعد از حشر مانند انسان‌ها به بهشت می‌روند یا خیر ثابت نشده است و با ادله یادشده در این مقاله قابل اثبات نخواهد بود.

### منابع

#### قرآن کریم

- ۱- آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق). *روح المعانی*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ۲- آشتیانی، سید جلال‌الدین، (۱۳۸۱)، *شرح بر زادالمسافر*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲). *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
- ۴- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵). *علل الشرایع*، قم، کتابفروشی داوری.
- ۵- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*، قم، انتشارات اسلامی.
- ۶- ابن سینا، حسین، (۱۳۷۵). *الاشارات والتنبيهات (فی شرح الاشارات للمحقق الطوسی)*، قم، البلاغة.
- ۷- اشکوری، محمد بن علی، (۱۳۷۳)، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، دفتر نشر راد.
- ۸- ایجی، محمد بن عبدالرحمن، (۱۴۲۴ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (ایجی)*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۹- بغدادی، عبدالقاهر، (۲۰۰۳). *اصول الايمان*، بیروت، دار مکتبۃ الهلال.
- ۱۰- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق). *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۱- پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲). *نهج الفصاحة*، تهران، دنیای دانش.

- ۱۲- تفتازانی، سعدالدین، (۱۴۰۹ق)، شرح المقاصد، قم، الشریف الرضی.
- ۱۳- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۹). دروس شرح الاشارات و التنبيهات [نمط سوم]، قم، آیت اشراق.
- ۱۴- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵)، عیون مسائل النفس، تهران، امیرکبیر.
- ۱۵- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۵)، هزار و یک نکته، تهران، رجاء.
- ۱۶- حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۵ق). کشف المراد، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۱۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.
- ۱۸- زحیلی، وهبة بن مصطفى، (۱۴۱۸ق). تفسیر المنیر، بیروت، دارالفکر.
- ۱۹- رشید رضا، محمد، (۱۴۱۴ق). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه.
- ۲۰- زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق). کشف، بیروت، دارالکتاب العربی.
- ۲۱- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۳). منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- ۲۲- سبزواری، ملاحادی، (بی تا). التعليقات علی الشواهد الربوبية، مشهد، مرکز الجامعی للنشر.
- ۲۳- شوبکلائی، مسلم؛ دیباجی، سید محمد علی، (۱۳۹۰)، « واکاوی حشر حیوانات از دیدگاه ملاصدرا»، آیین حکمت، دوره سوم، شماره ۱۰، صفحه ۳۳-۶۶.

- ۲۴- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، (۱۹۸۱). *الحکمة المتعالیة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۵- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، (۱۳۷۵)، *اجوبه مسائل الجیلانیة* (در مجموعه رسائل فلسفی صدر المتألهین)، تحقیق: ناجی اصفهانی، تهران، حکمت.
- ۲۶- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۰)، *الشواهد الروبویة*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۷- طالقانی، سید محمود، (۱۳۶۲)، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۲۸- طالقانی، نظر علی، (۱۳۷۳). *کاشف الاسرار*، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۲۹- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، اعلمی.
- ۳۰- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۹ ق). *الرسائل التوحیدیة*، بیروت، مؤسسه النعمان.
- ۳۱- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲). *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو.
- ۳۲- طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ق). *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفة.
- ۳۳- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
- ۳۴- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۶ ق). *الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد*، بیروت، دارالاضواء.
- ۳۵- \_\_\_\_\_، (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- ۳۶- طیب، عبدالحسین، (۱۳۶۹). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام.
- ۳۷- عمید، حسن، (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر.
- ۳۸- عیاشی، محمدبن مسعود، (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمية.
- ۳۹- غزالی، ابوحامد، (۱۴۱۶ق). *مجموعه رسائل الامام الغزالی*، بیروت، دارالفکر.
- ۴۰- فارابی، ابونصر، (بی تا). *فصوص الحکمة و شرحه، شرح السید اسماعیل غزالی*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۴۱- فخرالدین رازی، محمدبن عمر، (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۴۲- فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۴۲۸ق). *المحجة البيضاء*، قم، انتشارات اسلامی.
- ۴۳- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ق). *اصول کافی*، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- ۴۴- لاهیجی، عبدالرزاق، (۱۳۷۲). *گوهر مراد*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۴۵- لطیفی، رحیم؛ کریمی، محمدداوود، (۱۳۹۴)، «حشر حیوانات از منظر عقل و نقل»، *کلام اسلامی*، دوره ۲۴، شماره ۹۶، صص ۱۰۹-۸۷.
- ۴۶- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۴۷- \_\_\_\_\_، (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۸- مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت، دارالکتب

العلمية.

۴۹- مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۳ق). *تفسیر الکاشف*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۵۰- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، (۱۴۱۳ق). *النکت الاعتقادیة*، قم، المؤتمر العالمی

للشیخ المفید.

۵۱- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۹ق). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۵۲- نظری توکلی، سعید، (۱۳۸۶)، «بررسی کلامی-فلسفی حشر حیوانات»، *نامه*

حکمت، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۱۴۸-۱۲۱.